

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان و تاجیکستان (۱۴۰۰-۱۳۸۴)

رحمت‌اله نوروزی*، محمدرضا قائدی**، حسن خداوردی*** و کارینه کشیشیان سیرکی****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۳۴۰-۳۰۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

یکی از ابزار دیپلماسی فرهنگی، زبان و ادبیات است. هدف از این تحقیق بررسی نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در توسعه دیپلماسی فرهنگی بین سه کشور فارسی‌زبان جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و تاجیکستان بین سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۸۴ است. بنابراین در پی پاسخ به این سؤال که آیا تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در طراحی محتوای آموزشی به زبان فارسی برای مدارس و دانشگاه‌های افغانستان و تاجیکستان و همچنین ایجاد رسانه‌های برون‌مرزی اعم از نوشتاری، دیداری، شنیداری، چندرسانه‌ای و مجازی با محوریت زبان فارسی برای مردم این دو کشور مؤثر بوده است؟ این پژوهش به روش توصیفی و از نوع فیش‌برداری از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، اینترنتی، مجازی و گزارش‌های دستگاه‌های دولتی است. بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران در زمینه تألیف کتب درسی برای مدارس افغانستان و تاجیکستان فعالیت‌های نسبی انجام داده، اما در بخش آموزش عالی، این فعالیت‌ها عمدتاً به صورت ارائه کتاب‌های چاپ ایران در این کشورها بوده است. در بخش رسانه‌ای نیز جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و سایت‌های خبری موفقیت‌های خوبی داشته ولی در راه‌اندازی تلویزیون‌های اختصاصی برای مردم افغانستان و تاجیکستان توفیقی نداشته است. با توجه به اشتراکات فرهنگی از جمله زبان و ادبیات مشترک، جمهوری اسلامی ایران باید بتواند با تعمیق دیپلماسی فرهنگی به توسعه و تحکیم روابط بین سه کشور فارسی‌زبان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی فرهنگی؛ زبان فارسی؛ ادبیات فارسی؛ افغانستان؛ تاجیکستان؛ نظریه سازه‌نگاری

* دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران؛
Email: r_norouzi@azad.ac.ir

** دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: ghaedi@iaushiraz.ac.ir

*** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Email: h_khodaverdi@azad.ac.ir

**** دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Email: g_keshishyan@azad.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ام، شماره یکصدوشانزدهم، زمستان ۱۴۰۲

doi: 10.22034/MR-2201-5004

مقدمه

در تحولات دهه‌های اخیر، دیپلماسی فرهنگی در عرصه روابط بین‌الملل، در راستای بهبود روابط و مناسبات فی‌مابین کشورها جایگاه ویژه‌ای یافته و موجب همگرایی میان دولت‌ها و ملت‌ها شده است. دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی کشورها که هنر ترویج و توسعه فرهنگ را برعهده دارد، در فراهم آوردن زمینه‌های همکاری‌های مشترک، شناخت و شناساندن فرهنگ‌ها و تبادل ارزش‌های فرهنگی و تحکیم و تثبیت روابط حسنه میان دولت‌ها تأثیر بسزایی دارد (جعفریان و براریان، ۱۳۹۸). منظور از دیپلماسی فرهنگی، تلاش برای درک، آگاهی، مشارکت و تأثیر بر افکار عمومی نهادها، سازمان‌ها و دولت‌های سایر کشورهاست (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴).

«دیپلماسی فرهنگی»، مکمل دیپلماسی رسمی برای تضمین و تأمین منافع ملی در عرصه سیاست خارجی است.

مهم‌ترین تفاوت‌های دیپلماسی فرهنگی با دیپلماسی کلاسیک عبارتند از:

- کاربرد عناصر سخت‌افزاری قدرت در «دیپلماسی کلاسیک» زیاد است ولی در دیپلماسی فرهنگی بیشتر از جنبه‌های نرم‌افزاری قدرت برای اثرگذاری بر مخاطبان استفاده می‌شود (Nye, 2010: 2).
- نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و بخش خصوصی در مراودات دیپلماسی فرهنگی برجسته‌تر از دیپلماسی سنتی است (دلاورپور اقدم، ۱۴۰۱: ۲۵۰).
- رایزنی حکمرانان در مذاکرات رسمی در اغلب مواقع غیرشفاف و برخی مواقع به‌صورت محرمانه است ولی عناصر دیپلماسی فرهنگی بیشتر عیان و جنبه غیرمحرمانگی دارند.
- جامعه هدف دیپلماسی کلاسیک بیشتر حکمرانان ولی مخاطبان دیپلماسی فرهنگی، اغلب شهروندان و خبرگان هستند.

• نقش ادبیات و میراث مشترک در دیپلماسی کلاسیک کم‌رنگ ولی در دیپلماسی فرهنگی پررنگ است.

• ماندگاری آثار دیپلماسی فرهنگی به دلیل اینکه بر افکار، باورها، اعتقادات و اذهان مردم اثر می‌گذارد بسیار ماندگارتر از دیپلماسی کلاسیک است (شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۶: ۴-۶).

مخاطبان دیپلماسی فرهنگی، ملت‌ها هستند و ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دیپلماسی فرهنگی فرایندی است که به موجب آن دولت‌ها می‌توانند با توسل به ظرفیت‌ها و امکانات ساختارهای فرهنگی و توانمندی نخبگان بر افکار عمومی یک جامعه تأثیر گذارند و با ترویج و اشاعه نمادهای فرهنگی، جذابیت‌هایی را در افکار عمومی سایر کشورها خلق کنند (رحمانی، ۱۳۹۴: ۷۰). در این زمینه، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران رویکردی تمدنی با ویژگی چندوجهی دارد که از مصادیق آن می‌توان به فرهنگ و رسوم مشترک سه کشور فارسی‌زبان در نوزدهم اشاره کرد. در نتیجه شایسته است ترویج و توسعه زبان فارسی از دو منظر اشاعه فرهنگی و تمدنی مورد توجه قرار گیرد.

دولتمردان براساس فنون دیپلماسی فرهنگی به گسترش مناسبات مردم به مردم موسوم به دیپلماسی شهروندی و نیز تبادلات فرهنگی و دانشگاهی و روابط پایدار با نخبگان دانشگاهی موسوم به دیپلماسی مسیر دو (دیپلماسی‌ای که از مجاری غیررسمی مانند سفر ورزشکاران و هنرمندان یا تبادل نظر دانشگاهیان و اندیشه‌وران دنبال می‌شود) اهتمام می‌ورزند. بنابراین اقدام‌هایی از قبیل اعزام دانشجویان به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی کشور، خبرنگاران اعزامی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی در زمره دیپلماسی فرهنگی قرار دارند. دومین جامعه هدف

معماران دیپلماسی فرهنگی، جامعه خبرگی سایر کشورهاست، چراکه با تأثیرگذاری بر آنها، خود به اشاعه‌گران و ترویج‌کنندگان مقاصد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌شوند.

با افزایش تأثیرگذاری عناصر هویت‌بخش همچون زبان و ادبیات مشترک، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی به مهم‌ترین پیش‌ران منطقه‌گرایی زبانی تبدیل شده است. به عبارتی در هزاره سوم میلادی، پیش‌گیری از قدرت قهریه و تمرکز بر جنبه‌های نرم قدرت، به‌عنوان یکی از شاخص‌های سیاست خارجی مقتدرانه محسوب می‌شود که هزینه‌های آن بسیار کمتر از وادارسازی حکمرانان کشور هدف برای ائتلاف است (Nye, 2008: 6-8).

در جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر تمدن و فرهنگ غنی ایران ابزاری بالقوه برای پیش‌برد اهداف کشور در عرصه بین‌الملل به‌شمار می‌آید. رابطه محکم و دیرینه زبان فارسی و تأثیر شگرف آن در روابط و سیاست خارجی ایران در طول تاریخ، نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها به‌ویژه آن دسته از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی داشته که به‌نحوی متأثر از فرهنگ، ادب و زبان فارسی بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت زبان و ادبیات فارسی موتور پیش‌ران دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. فارسی، زبان رسمی کشورهای ایران، تاجیکستان و افغانستان به‌شمار می‌رود که باعث به‌وجود آمدن پیوندهای عمیق فرهنگی بین این سه کشور شده است (جعفری و براریان، ۱۳۹۸). در این بین، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور محوری می‌تواند نقش جدی در گسترش روابط علمی و فرهنگی با دو کشور فارسی‌زبان افغانستان و تاجیکستان داشته باشد. در واقع، اشاعه فرهنگ و ادب ایران اسلامی از طریق زبان و خط فارسی جزء تأکیدهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است.

۱. کلیات تحقیق

در این بخش، پیشینه، روش تحقیق، سؤال‌های اصلی و فرعی، فرضیه و چارچوب نظری تحقیق اشاره می‌شود.

۱-۱. پیشینه تحقیق

اژدری و همکاران (۱۳۹۶) برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مدلی طراحی کردند که شامل سه بعد زمینه‌ای، قانونی و اجرایی است. مدل طراحی شده بر اهمیت ابعاد سه‌گانه دیپلماسی فرهنگی و بر اقدام‌های بهبود شاخص‌های آموزش، فرهنگ، ارتباطات، سیاست عمومی دولت، حکمرانی خوب و حقوق فرهنگی تأکید دارد. در بعد اجرایی این مدل به این نتیجه رسیدند که برای ارتقای شاخص‌های تجارت و سرمایه‌گذاری فرهنگی و نیز ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به‌خصوص افزایش حضور فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی ابزاری کارآمد برای ارتقای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

شهسواری فرد (۱۳۹۶) به بررسی ضرورت تا واقعیت نقش ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی پرداخت. وی اشاره کرد که فرهنگ یا دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی کشورها اثرگذار است. زبان و ادبیات می‌تواند به‌عنوان متغیری مهم بر رهیافت دیپلماسی فرهنگی اثرگذار باشد. با این حال، در زمینه زبان و ادبیات فارسی، متأسفانه هنوز اقدامی درخور، برای مدیریت توسعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی صورت نگرفته است.

سلیمی بنی و مجاور شیخان (۱۳۹۲) جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها را بررسی کردند. در بخشی از این تحقیق، به عنصر زبان و ادبیات

به‌عنوان پتانسیل برقراری دیپلماسی فرهنگی اشاره شد. نویسندگان نتیجه گرفتند که در جهان کنونی با فناوری ارتباطات و اطلاعات، عرصه فرهنگی جوامع بیش از دیگر عرصه‌ها متحول شده و این تحول به‌لحاظ تأثیر رفتار انسانی از آموزه‌ها و عناصر فرهنگی، سبب تحول در همه عرصه‌های زندگی بشری می‌شود. همچنین ارزش‌های فرهنگی که با ذات و فطرت بشری منطبق باشند و برای ارزش‌های انسانی احترام قائل شوند، می‌توانند مسیر سیاست را برای رویه‌های دیپلماتیک باز کنند.

جوادی ارجمند و اسماعیلی (۱۳۹۱) بیان کردند به‌کارگیری دیپلماسی عمومی در جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای افغانستان و تاجیکستان توانسته بر روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشورها تأثیرات مثبتی گذارد. در این تحقیق، نویسندگان با بررسی شاخص‌های برقراری روابط دیپلماتیک، رفت و آمد متقابل هیئت‌های سیاسی، مواضع مشترک سیاسی، مبادلات اقتصادی و تجاری و رفت و آمد متقابل هیئت‌های علمی و فرهنگی دریافتند که با توجه به تفاوت‌های نظام‌های سیاسی حاکم بر این کشورها، دیپلماسی عمومی مانع قطع این روابط شده است و حتی توانسته این روابط را تقویت کند. در این بین، پیوندهای تاریخی، زبانی، تمدنی، مذهبی و فرهنگی بین ایران و کشورهای افغانستان و تاجیکستان نقش بسزایی داشته‌اند.

به این ترتیب موضوع دیپلماسی فرهنگی در تحقیقات قبلی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و دانش خوبی در این زمینه اضافه شده، اما نقش مؤلفه‌های فرهنگی (مانند زبان و ادبیات) در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو با توجه به اینکه هدف عمده دیپلماسی فرهنگی برقراری ارتباط از طریق مؤلفه‌های فرهنگی است، باید نقش این مؤلفه‌ها در بروز دیپلماسی فرهنگی بررسی شود.

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... — ۳۰۹

بنابراین تفاوت این تحقیق با پژوهش‌هایی که به آنها اشاره شد این است که در این تحقیق مؤلفه‌های فرهنگی مشترک مانند نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی (به‌عنوان مؤلفه‌های مهم فرهنگی ایران) در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی‌زبان افغانستان و تاجیکستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. روش تحقیق

این پژوهش از جمله پژوهش‌های کاربردی است که به روش توصیفی انجام شده است. در خلال این پژوهش، با تبیین و توصیف موضوع‌های این حوزه با روش فیش‌برداری از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، اینترنتی، مجازی و گزارش‌های دستگامی از یک سو و همچنین با تحلیل و پژوهش‌های موجود در این حوزه سعی شده تا با رویکرد حل مسئله دست به نتیجه‌گیری زده و راه‌حل و پیشنهاد ارائه شود.

۳-۱. اهمیت تحقیق

یکی از مهم‌ترین اهداف سند بالادستی گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، توسعه منطقه‌گرایی است. ایران از یک تاریخ و هویت تمدنی غنی و الهام‌بخش در بین کشورهای منطقه به‌ویژه دو کشور فارسی‌زبان افغانستان و تاجیکستان برخوردار است. به همین دلیل کاربست تدابیر و تمهیدات لازم برای اقناع‌سازی و اثرگذاری ماندگار بر اذهان و افکار عمومی، مستلزم استفاده هوشمندانه از منابع و ابزار هویت‌ساز مانند رسانه، کتاب، هنر و ادبیات برای انتقال شاخص‌های تمدنی هویت ایرانی - اسلامی به کشورهای است که از قرابت فرهنگی بالایی با جمهوری اسلامی ایران برخوردارند. طراحی سازمان‌یافته جمهوری اسلامی ایران برای تأثیرگذاری بر افکار، ارزش‌ها و باورهای سایر ملت‌ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی و شناخت

و درک واقعی فرهنگ‌های دیگر به‌منظور تأمین و توسعه منافع ملی (جعفری و براریان، ۱۳۹۸؛ کوهکن، رحیمی‌نژاد و غلامی، ۱۳۹۷) از مهم‌ترین ابعاد و ابزار توسعه دیپلماسی فرهنگی است.

۴-۱. سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی: طراحان دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی تا چه میزان در کاربست شاخص‌های تمدنی ایران در حوزه زبان و ادبیات فارسی در جهت توسعه روابط با دو کشور افغانستان و تاجیکستان موفق بوده‌اند؟

سؤال‌های فرعی:

سؤال اول: آیا تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در کمک به طراحی محتوای آموزشی به زبان فارسی در مدارس و دانشگاه‌های افغانستان و تاجیکستان مؤثر بوده است؟

سؤال دوم: آیا رسانه‌های برون‌مرزی اعم از نوشتاری، دیداری، شنیداری، چندرسانه‌ای و مجازی در تقویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان و تاجیکستان با محوریت زبان فارسی نقش مؤثری ایفا کرده‌اند؟

۵-۱. فرضیه تحقیق

به‌نظر می‌رسد استفاده جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌ها و عناصر دیپلماسی فرهنگی همچون زبان و ادبیات مشترک به تحکیم روابط با افغانستان و تاجیکستان کمک کرده است.

۶-۱. چارچوب نظری

ملاحظات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی؛ از پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر رفتار کنشگران روابط بین‌الملل است. فرهنگ و هویت از عناصر غیرمادی قدرت محسوب

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۱۱

می‌شوند. از منظر واقع‌گرایان کلاسیک، توان نظامی بالاتر باعث اثرگذاری بالاتری در عرصه روابط بین‌الملل می‌شود ولی ناتوانی کرملین از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری جنگ سرد و همچنین ناکامی آمریکا در عراق و افغانستان، برخی معادلات سیاسی را تغییر داد (متقی، ۱۳۸۶: ۲۱۳) و به مرور از اواخر قرن بیستم، نقش عناصر هویت‌بخش همچون تاریخ، هنر، سینما، میراث فرهنگی، فرهنگ، زبان و ادبیات در معماری نظریه‌های روابط بین‌الملل پررنگ‌تر می‌شود.

در زمینه سیاست خارجی، عناصر فرهنگی تأثیرگذار به سه حوزه تقسیم می‌شوند: الف) اعتقادات و اسطوره‌هایی که به تجارب تاریخی یک ملت و رهبران و نیز دیدگاه‌های آنان نسبت به نقش و موقعیت جاری کشور خود در عرصه جهانی ارتباط دارد.

ب) تصاویر و برداشت‌هایی که نخبگان سیاسی و عامه مردم نسبت به دیگر ملت‌ها و سایر بازیگران سیاست خارجی مانند نهادهای بین‌المللی در ذهن خویش دارند.

ج) عادات و ایستارها و طرز تلقی‌ها نسبت به حل مشکلات به‌طور اعم و برخورد با اختلاف‌ها و منازعات بین‌المللی به‌طور اخص است (مجیدی، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

چارچوب نظریه این تحقیق براساس «نظریه سازه‌انگاری»^۱ تهیه شده است. این نظریه را «الکساندر ونت» پایه‌گذاری کرد. ونت بر این باور بود که ارزش‌ها و باورهای مشترک، نقش مهمی در توسعه روابط بین‌الملل دارند. سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده ولی از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ به یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل تبدیل شده است.

برای سازه‌انگاران، هم ساختار و هم کارگزار به قوام سیاست‌ها منجر می‌شود. در دیپلماسی فرهنگی علاوه بر ایجاد نهادهای لازم، نقش سیاستگذاران برای طراحی

یک نقشه راه فرهنگی حائز اهمیت است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۳). سازه‌انگاران بر این باورند که فرهنگ، ادبیات، زبان و میراث مشترک تاریخی به ایجاد و تقویت داربست هویتی و همگرایی اجتماعی کمک می‌کند و دیپلمات‌ها به‌عنوان کارگزاران دیپلماسی فرهنگی با ایجاد ساختارهای لازم به قوام‌بخشی و توسعه هویت مشترک بین کشورهای هدف، نقش تأثیرگذاری را برعهده دارند. از دیدگاه سازه‌انگاران، چسبندگی هنجارها و هویت مشترک، گام مهمی در جهت استقرار منافع پایدار دوجانبه است.

از نگاه سازه‌انگاران، زبان و ادبیات از عناصر شکل‌گیری ارزش‌ها و فرهنگ مشترک است. در این میان افغانستان تا مقطعی بخشی از خاک ایران بود و این تاریخ مشترک، مسیر همواری را برای توسعه دیپلماسی فرهنگی دوجانبه به‌وجود آورده است. از این رو تأسیس رسانه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای به‌دلیل ایجاد ذهنیت و باور مشترک بین دو کشور یکی از اهرم‌های سازه‌انگاران برای توسعه دیپلماسی فرهنگی است. در حال حاضر سایر کشورهای هم‌زبان نیز با استفاده از ظرفیت رسانه‌ای و تأسیس رسانه‌های ترک‌زبان، روس‌زبان و فرانسوی‌زبان، در راستای توسعه منطقه‌گرایی زبانی و ایجاد نهادهای فرهنگی گام برداشته‌اند.

براساس نظریه سازه‌انگاری، توان دستیابی به فناوری ارتباطات و حجم گسترده اطلاعات و انتقال آن از جمله شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در ترویج فرآورده‌های فرهنگی افزایش یافته و فراتر از ارتباطات دولتی و رسمی شده است. از این رو دیپلماسی فرهنگی در روند خود دچار تحول شده؛ چون بدون مرز بودن در عرصه زمان و مکان و نزدیک شدن فرهنگ ملت‌ها؛ امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را در روابط کشورها و ملت‌ها فراهم آورده است و بازیگران و کنشگران سیاسی نیز از این ابزار در سیاست خارجی خویش بهره می‌جویند. بنابراین دیپلماسی فرهنگی با برنامه‌ریزی و

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۱۳

اجرای طرح‌های فرهنگی مناسب و کارآمد قادر خواهد بود فضایی برای تعامل و رشد تفاهم ملت‌ها و تقویت پیوندهای منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورد.

جوزف نای نیز از جمله نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل است که به مقوله دیپلماسی فرهنگی و استفاده از عناصر هویت و فرهنگ مشترک برای توسعه منطقه‌گرایی تأکید می‌کرد. او از سه ابزار برای پیشبرد دیپلماسی فرهنگی نام می‌برد: نخست رسانه‌های جمعی، دوم ارتباطات راهبردی در قالب سازمان‌ها و نهادهای مدنی و سومین ابزار، دیپلماسی آموزشی است (Nye, 2008: 101-102). اعمال قدرت نرم در خارج از مرزها به‌تنهایی از عهده نهادهای رسمی همچون وزارت امور خارجه بر نخواهد آمد. بخشی از رسالت توسعه دیپلماسی فرهنگی کشورها به سازمان‌های غیردولتی در کشور هدف وابسته است. (Shakirov, 2013: 1).

از منظر سازه‌انگاران ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از خود، طراحی و انجام راهبردها و سیاستی مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، کسب جایگاه علمی پیشرفته، قدرت شکل‌دهی و مهار افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، قدرت تولید و نشر محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و ایجاد رسانه‌های بین‌المللی برای ترویج فرهنگ و ادبیات در جامعه هدف، نقش مهمی را در موفقیت دیپلماسی فرهنگی ایفا می‌کند. به‌ویژه اینکه در قرن بیست‌ویکم، با گسترش انقلاب اطلاعاتی و جهانی‌سازی، منابع و شیوه توزیع قدرت به‌گونه‌ای عمیق در حال دگرگونی است و بازیگران غیردولتی، قدرتی بیشتر کسب کرده‌اند (Grix and Kramareva, 2015: 3). دیپلماسی فرهنگی کارآمد، مولود تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است (امیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۲).

نظریه پردازان روابط بین الملل بر این باورند که شیوه‌ها، ماهیت و اهداف دیپلماسی عمومی تقارب بالایی با مفروضات نظریه سازه‌انگاری دارد. مهم‌ترین مفروضه‌ها عبارتند از:

- یکی از اهداف سازه‌انگاران، همانند دیپلماسی فرهنگی اثرگذاری بر سازه فکری و اندیشه ملت‌ها به‌ویژه خبرگان است.
- حامیان نظریه سازه‌انگاری به رسانه، کتاب و میراث مشترک به‌دلیل تأثیر بالای آن بر گستره عمومی اهمیت بالایی می‌دهند و بر این باورند که نقش رسانه‌ها در کشورهای برخوردار از قرابت فرهنگی بسیار برجسته است.
- در نظریه سازه‌انگاری، اقناع‌سازی ملت‌ها و خبرگان جامعه هدف، موتور محرکه توسعه دیپلماسی فرهنگی است. اگر قدرت را به‌معنای توانایی تأثیرگذاری بر دیگران به‌منظور کسب نتایج دلخواه در نظر بگیریم، می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی به مفهوم هدفمندسازی و استفاده هوشمندانه از هویت و ادبیات مشترک برای تأثیرگذاری بر سایر کشورهاست. با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، نقش شبکه‌های اجتماعی نیز در معماری دیپلماسی فرهنگی برجسته‌تر شده است.
- زبان، ادبیات، تاریخ و میراث مشترک، نقش اصلی و محوری را در معادلات جهانی و روابط دولت‌ها و ملت‌ها ایفا می‌کند. اگر در پیدایش قدرت ملی یک کشور عناصر مادی مؤثر باشد، قطعاً برای پویایی و پایایی آن عناصر معنوی ضروری است (مجیدی، ۱۳۹۴: ۸).

با توجه به اینکه اقناع‌سازی و همراه‌سازی جامعه هدف در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی بسیار مهم است، به‌مرور کارکرد شیوه‌های نفوذ و اثرگذاری بر اذهان و اندیشه‌های شهروندان جامعه هدف نیز در بین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری از اهمیت

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۱۵

بالایی برخوردار شده است. دیپلماسی فرهنگی یکی از اهرم‌های سازه‌انگاران برای ایجاد داربست و سازه‌های ذهنی در افکار خبرگان و شهروندان کشور هدف است که از ماندگاری بالایی برخوردار بوده و مبتنی بر جذابیت فکری و فرهنگی است که عمداً یا ناخواسته از سوی بازیگران روابط بین‌الملل برای دستیابی به الزامات استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد (De Martino, 2020).

یکی از اهداف اساسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خنثی کردن دیپلماسی فرهنگی کشورهای رقیب و کشورهای است که با اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی، برجسته کردن و خطرناک جلوه دادن گسترش نفوذ شیعیان در منطقه، سعی در مخدوش کردن چهره جمهوری اسلامی داشته‌اند. این امر در کنار بروز پدیده‌های فرقه‌ای و مذهبی مانند داعش باعث شده است که اکثر تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران رنگ و بوی امنیتی به خود گیرد. در این شرایط، بروز اقدام‌ها و تلاش‌های دیپلماتیک، به خصوص در قالب دیپلماسی فرهنگی، بسیار مورد نیاز است تا بتوان ایران‌هراسی و وضعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور را در سطح بین‌الملل کاهش داد یا حتی از بین برد (غفاری قدیر، بهستانی و خالدیان، ۱۳۹۶).

- پویایی، چابکی و تحول در ابزار دیپلماسی فرهنگی (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۳).
- اصالت ایده و اندیشه؛ در نظریه سازه‌انگاری، بازیگری می‌تواند ابتکار منطقه‌گرایی را در دست گیرد تا بتواند با ارائه طرح‌های نوآورانه و خلاقانه و تولید اندیشه، بر کشورهای هدف تأثیر گذارد.
- افزایش نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)؛ دیپلماسی فرهنگی، توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای رسیدن به نتایجی است که می‌خواهد به‌جای وادار کردن مردم، آنها را همراه و اقناع کند که در این میان نقش

کنشگران غیردولتی در ایجاد جذابیت‌های فرهنگی بسیار حائز اهمیت است.

- برجسته بودن جایگاه منابع فرهنگی، ارزش‌ها و اقتصاد در افزایش تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی.

توان اقناع‌سازی یک دولت - ملت به سه مؤلفه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و اقتصاد وابسته است. یک کشور ممکن است نتایجی را که می‌خواهد در سیاست جهانی به‌دست آورد، زیرا سایر کشورها - با تحسین ارزش‌های آن، الگوبرداری از آن، آرزوی رسیدن به سطح رفاه و فضای باز - می‌خواهند از آن پیروی کنند. از این نظر، کشورها می‌بایست به‌جای قوه قهریه، از فنون اقناع‌سازی برای جذب کشورهای هدف مبادرت ورزند.

۲. ابزار دیپلماسی فرهنگی

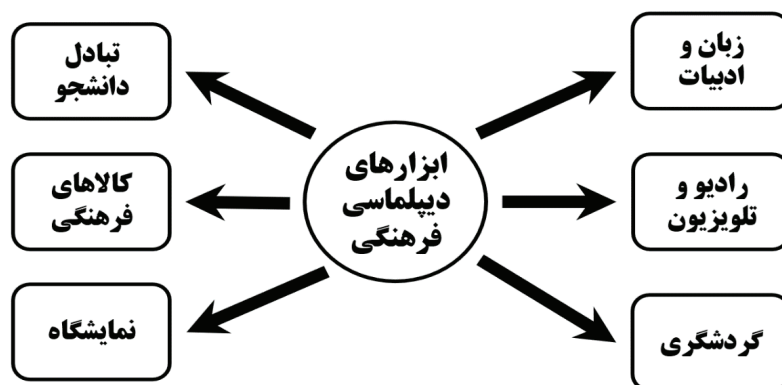
اصطلاح «دیپلماسی فرهنگی» امروزه در سیاست خارجی دولت - ملت و همچنین در گفتمان فرهنگی به چشم می‌خورد. فرهنگ به‌عنوان ذات دیپلماسی و یا روش دیپلماسی محسوب می‌شود و دیپلماسی فرهنگی نمودی است که می‌تواند به‌عنوان «استقرار فرهنگ یک کشور در حمایت از اهداف سیاست خارجی یا دیپلماسی» تعریف شود (Ociepka and Arendarska, 2021؛ میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶).

هدف از دیپلماسی فرهنگی تأثیرگذاری بر مخاطب خارجی و استفاده از آن تأثیری که در درازمدت ایجاد می‌شود، به‌عنوان نوعی کالای جذاب برای جلب حمایت از سیاست‌هاست. دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با سایر انواع دیپلماسی مزایای بسیاری دارد از جمله مواجه شدن با مقاومت کمتر در کشورهای مقصد، عاری بودن از لحن خصمانه و آمرانه، ایجاد فرصت برای بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و غیردولتی و طراحی و اجرای خلاقانه‌تر، انعطاف‌پذیرتر و حتی فرصت‌طلبانه‌تر نسبت به دیپلماسی

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۱۷

کلاسیک و سنتی است (Ociepka and Arendarska, 2021)؛ سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴). دیپلماسی فرهنگی ابزارهای مختلفی دارد که در شکل ۱ آورده شده‌اند.

شکل ۱. ابزارهای دیپلماسی فرهنگی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳. نقش زبان و ادبیات در دیپلماسی فرهنگی

زبان و ادبیات در زمره ابزار اصلی دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شوند. زبان هر کشوری ریشه در فرهنگ آن کشور دارد و مبین فرهنگ، تاریخ و ادبیات آن کشور است. از این رو، شاید بتوان ادعا کرد که زبان مهم‌ترین ابزار دیپلماسی فرهنگی هر کشور است. بنابراین، دولت‌های مختلف سعی دارند تا حمایت از زبان ملی را به‌عنوان یکی از اولویت‌ها و راهبردهای سیاسی و فرهنگی کشور خود قرار دهند. همچنین، در کنار زبان، ادبیات نیز می‌تواند برای دیپلماسی فرهنگی ابزار مفیدی باشد، زیرا به مطالعه‌کنندگان خارجی اجازه می‌دهد فرهنگ آنها را در ذهن خود مجسم کنند (عسگریان، شیراوند و موسوی، ۱۳۹۳).

زبان فارسی باعث به‌وجود آمدن پیوندهای عمیق فرهنگی و اجتماعی بین سه کشور ایران، تاجیکستان و افغانستان شده است. زبان فارسی دارای ادبیات غنی

است و در طول تاریخ به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویت ایرانیان به‌شمار می‌رفته است. همچنین، به‌دلیل وجود دانشمندان و اساطیر ایرانی، زبان فارسی بستر انتقال دانش بشری و شکوفایی حوزه وسیعی از تمدن‌ها در طول تاریخ بوده و باعث گسترش جغرافیای زبان فارسی و نفوذ فرهنگی ایران در کشورهای دیگر شده است. این زبان در عصر طلایی تمدن‌های اسلامی به زبان دوم جهان اسلام نیز بدل شد. طی قرن‌ها به‌دلیل طیف‌های گوناگونی از بازرگانان، امیران و عارفان در فراسوی مرزها، کشور ایران از لحاظ فرهنگی نفوذ و گسترش گسترده‌ای داشت. امروزه، در میدان جهانی‌شدن و تقابل فرهنگ‌ها و با وجود هجمه‌های هولناک تاریخی و سیاسی رقیبان، فارسی همچنان به‌عنوان یک زبان زنده و پویا خودنمایی می‌کند. حوزه زبان فارسی به‌دلیل ادبیات غنی، ظرفیت ارزشمند و پویایی دارد که می‌تواند کشور را در حوزه‌های مختلف فرهنگی، علمی، سیاحتی، اقتصادی، پزشکی و ... در سطح بین‌الملل مطرح کرد. مفاهیم نو و مفاهیمی که می‌تواند کشور را بهتر معرفی کند در ادبیات ایران وجود دارد که می‌توان این بسته فرهنگی را با ابزار زبان منتقل کرد (رضایی مهر، وفایی و اسپرهم، ۱۳۹۹).

۴. نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان بین سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰

۴-۱. کشور افغانستان

کشور افغانستان در جنوب آسیای میانه قرار دارد و از غرب با ایران همسایه است. مساحت افغانستان از ۶۲۰ تا ۷۰۰ هزار کیلومتر مربع تخمین زده شده است و حدود ۴۰ میلیون نفر جمعیت دارد. دین رسمی کشور افغانستان اسلام است. از لحاظ فرهنگی اهمیت ژئوکالچر افغانستان برای ایران به‌دلیل وجود پیوندهای کهن تاریخی

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۱۹

و فرهنگی، زیاد است؛ تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران از این کشور به «حیات خلوت فرهنگی ایران» یاد کرده‌اند.

۴-۲. مؤلفه‌های مشترک فرهنگی بین ایران و افغانستان

فرهنگ امروز افغانستان برگرفته از هویت فرهنگ ایران بوده است. در ادامه به مهم‌ترین مؤلفه‌های اشتراکی بین مردم ایران و افغانستان می‌پردازیم.

۴-۲-۱. هنر و ادبیات

ایران و افغانستان، تاریخ هنری به هم پیوسته داشته و دارند، به نحوی که در حوزه معماری، زیباترین دستاوردهای عصر تیموری و شاهکارهای قوام‌الدین شیرازی در افغانستان و ایران احداث شده است. همچنین مکتب مینیاتور درخشان هرات، زمینه‌ای افتخارآمیز برای هر دو کشور است و در ادبیات و عرفان نیز، خواجه‌عبداله انصاری و دیگر عرفا و ادیبان، مفاخری هستند که با مرزهای این دو کشور قابل تفکیک نیستند. از مفاخر مشترک دو کشور می‌توان به ابوعلی سینا، مولوی، سنایی، بیرونی و رازی اشاره کرد (غوری، ۱۳۹۹).

۴-۲-۲. زبان

یکی دیگر از عناصر مشترک بین کشورهای ایران و افغانستان، عنصر زبان است که در تحقیق حاضر مورد تأکید است. زبان رسمی کشور افغانستان زبان فارسی دری است. هرچند زبان فارسی دری از شاخه‌های زبان آریایی و بنابر مکتب زبان‌شناسی از جمله زبان‌های هند و اروپایی به‌شمار می‌رود، با این حال تنها با تفاوت لهجه به‌عنوان یکی از مشترکات میان دو کشور محسوب می‌شود که اساس و ریشه هر دو لهجه زبان فارسی (پارسی دری و پارسی ایرانی) همان زبان هندو اروپایی بوده که به نام هند و آریایی اطلاق می‌شود. زبان فارسی دری ریشه‌اش در خراسان بزرگ و یکی

از گویش‌های محلی زبان ایرانی (آریایی) بوده که در دوران پس از اسلام، قرن سوم هجری به بعد، در زمان سامانیان به زبان نوشتاری و ادبی تبدیل شده است و به عنوان زبان قلمرو بزرگ را فتح کرده است. دامنه نفوذ و آفرینش آثارش نه فقط به خراسان بزرگ، بلکه به سراسر قلمرو افغانستان امروزی، ایران، تاجیکستان و شبه‌قاره هند رفته و ادبیات این زبان، به خصوص زبان شعر، میدان نفوذ بسیار فراخی پیدا کرد. پس از گذشت چهار دهه از حکومت مسلمانان در ایران، دری به رسم الخط تازی نگاشته شد و فارسی نوین نام گرفت. در روزگار مغول واژه «دری» از واژه ترکیبی «فارسی دری» جدا شد و واژه فارسی تنها به جای آن کاربرد پیدا کرد.

تداوم روابط متقابل و دیرینه ایران با افغانستان مبتنی بر حفظ اقوام فارسی‌زبان از تاجیکستان تا ایران است و حمایت دولت‌های ایران از بقای این محور، زیرا یکی از منابع تنش ایران و افغانستان تحت کنترل پشتون‌هاست. افغان‌ها به دلیل حاکمیت پشتون‌ها خیلی روی هویت افغانستانی و زبان پشتو تکیه دارند و سعی می‌کنند اجازه ندهند، زبان فارسی در افغانستان نفوذ پیدا کند. از سویی مناطق شمالی و غربی افغانستان یکی از محورهای فرهنگ آریایی و ادبیات فارسی بوده و زبان فارسی با وجود دگرگونی بسیاری که از دیگر زبان‌ها داشته، همواره هویت خود را حفظ کرده است. اسطوره‌های مشترک مردم افغانستان با ایرانیان در شعر، ادبیات، موسیقی، رسوم و آداب و تاریخ نمود یافته است و همچنان زبان فارسی نیز تنها با تفاوت لهجه به عنوان یکی از مشترکات میان دو کشور محسوب می‌شود که اساس و ریشه هر دو زبان (فارسی دری و ایرانی) همان زبان هندو اروپایی است. چنانچه قبلاً اشاره شد در افغانستان دو زبان فارسی و پشتو به عنوان زبان‌های رسمی محسوب می‌شوند. همچنین، یکی دیگر از وجوه اشتراکات زبانی ایران و افغانستان، رسم الخط است. رسم الخط زبان فارسی در ایران و افغانستان دقیقاً یکسان است و در افغانستان

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران... ————— ۳۲۱

هیچ‌گونه مشکلی در خوانش کتاب‌های چاپ ایران وجود ندارد و علاوه بر این، رسم‌الخط پشتو نیز تا حد زیادی با فارسی یکسان است (غوری، ۱۳۹۹).

۳-۲-۴. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان

از ابعاد مهم انقلاب اسلامی ایران بعد فرهنگی است و یکی از جوامع هدف انقلاب اسلامی ایران، کشور افغانستان است. بنابراین، تأثیرگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر افغانستان امری بدیهی است. کوهکن، رحیمی‌نژاد و غلامی (۱۳۹۷) به بررسی عملکرد (دیپلماسی) فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان پرداختند. عمده اقدام‌های صورت گرفته جمهوری اسلامی ایران شامل پذیرش مهاجران افغانستانی است که پس از بازگشت به کشورشان و در شهرهایی مانند هرات، مزار شریف، قندوز، قندهار و بخش‌های شمال و غربی این کشور تمامی فرهنگ ایرانی و آداب و رسوم ایران را به آنجا منتقل کرده‌اند که این مسئله حتی در پوشش و سخن گفتن آنها نیز مشاهده می‌شود. توسعه همکاری‌های دانشگاهی، همکاری‌های هنری، گفتگوهای علمی و قانون موافقت‌نامه فرهنگی، علمی و آموزشی بین جمهوری اسلامی ایران و افغانستان، از دیگر اقدام‌های فرهنگی بین دو کشور بوده است. همچنین، وضع قانون موافقت‌نامه فرهنگی، علمی و آموزشی بین جمهوری اسلامی ایران و افغانستان نشان‌دهنده عمق قرابت فرهنگی و تلاش برای ایجاد فرهنگ مشترک بین دو کشور است.

۴-۲-۴. نقش جمهوری اسلامی ایران (سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰) در طراحی

محتوای آموزشی به زبان فارسی در مدارس و دانشگاه‌های افغانستان

قبل از آغاز این بحث، باید به این نکته اشاره شود که بین سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰، به دلیل اشغال نظامی افغانستان و همین‌طور درگیری‌های داخلی که در این

کشور وجود داشت، دولت مرکزی فراگیری در کشور افغانستان وجود نداشت، از این رو مناسبات بین‌المللی با کشورهای دیگر دستخوش بی‌ثباتی‌های زیادی بود. بنابراین، طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰، فضای ایجاد شده برای جمهوری اسلامی ایران در کشور افغانستان برای پیگیری دیپلماسی فرهنگی بسیار چالش‌انگیز بوده است. در ادامه به بررسی فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه می‌پردازیم.

یکی از فعالیت‌های انجام گرفته، تصویب قانون موافقت‌نامه فرهنگی، علمی و آموزشی بین جمهوری اسلامی ایران و افغانستان مشتمل بر چهارده ماده در تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۳۰ در مجلس شورای اسلامی ایران بود که طی آن طرف‌های متعاقد می‌بایست تسهیلات لازم را برای شناساندن فرهنگ و هنر طرف مقابل به مردم خود و احیای فرهنگ و هنر اسلامی فراهم کرده و بدین‌منظور اقدام‌های مقتضی شامل مبادله کتب و فیلم؛ گنجاندن اطلاعات مفید درباره فرهنگ، تاریخ و جغرافیای طرف مقابل در کتب درسی خود؛ بازدید دانشمندان و پژوهشگران از اماکن و مراکز فرهنگی و تاریخی دو کشور؛ برپایی نمایشگاه‌های کتاب؛ ارائه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و همکاری بین کتابخانه‌ها و مراکز اسناد ملی دو کشور انجام گیرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶).

در سال ۱۳۸۵ و به‌منظور توسعه روابط علمی و آموزشی، وزیر وقت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به افغانستان سفر کرد. در این سفر ساخت یک مرکز تربیت معلم در افغانستان و همچنین همکاری در زمینه تألیف کتب درسی و آموزش معلمان افغانستان مورد توافق قرار گرفت. در همین راستا، در سال ۱۳۸۷ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران دوره‌های آموزشی تألیف کتب درسی به زبان فارسی را برای مؤلفان افغانستانی برگزار کرد. این کارگاه دو ماه به طول انجامید و در ۶ حوزه تخصصی زبان، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، ریاضیات،

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۲۳

هنر و علوم پایه محوریت داشت. همچنین، محمود امانی تهرانی، مدیر پروژه افغانستان آموزش و پرورش خاطر نشان کرد که تعداد ۶۴ مؤلف افغانستانی کتب درسی در این دوره شرکت کردند. این مؤلفان از سوی وزارت معارف اسلامی افغانستان که وظیفه تألیف کتب درسی را برعهده دارند به ایران آمده بودند. امانی تهرانی از تألیف ۸۴ عنوان کتاب در پایان این کارگاه آموزشی خبر داد. نیمی از این کتابها درسی و نیمی دیگر نیز راهنمای دبیر این کتابها بودند. همچنین، ۵۲ کارشناس تألیف کتب درسی ایرانی با مؤلفان افغانستانی همکاری داشتند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷).

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۹ مبلغ ۳۰ میلیون دلار به آموزش و پرورش افغانستان کمک کرد (کوهکن، رحیمی نژاد و غلامی، ۱۳۹۷). در کنار این کمک مالی، جمهوری اسلامی ایران با اعزام ۱۵ مربی، ۳۵۰ نفر از استادان مراکز تربیت معلم افغانستان را آموزش داد. در سال ۱۳۸۷ به همت کارشناسان ایرانی، ۳۴ عنوان کتاب برای دانش آموزان کلاسهای هفتم تا نهم افغانستانی تألیف شد. به علاوه، با کمک جمهوری اسلامی ایران ۸۷ کارشناس افغان برای تهیه و تألیف کتب درسی با همکاری کارشناسان ایرانی به مدت ۷۵ روز در ایران آموزش دیدند. در همین راستا، مؤسسه تربیت معلم ابن سینا در کابل در سال ۱۳۸۷ برای آموزش معلمان افغانستانی از محل کمکهای ایران احداث شد که دارای هیئت امنای مشترک ایرانی و افغانستانی است. با افتتاح این مرکز آموزش عالی، تعداد ۱۳۷ نفر از استادان مراکز تربیت معلم افغانستان در دورههای آموزشی شرکت کردند و شعبه دیگری از این مؤسسه آموزشی در شهر مزار شریف افغانستان ایجاد شد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹). در بخش تألیف کتب درسی برای آموزش و پرورش افغانستان، تحقیقات تطبیقی که به بررسی محتوای این کتابها و اثرگذاری تلاشهای جمهوری اسلامی ایران در این زمینه پرداخته باشند بسیار اندک است و بنابراین به طور دقیق نمی توان در خصوص

اثرگذاری مثبت این تلاش‌ها اظهار نظر کرد. با این حال، سازمند و موسوی (۱۳۹۹) با تحلیل محتوای مقایسه‌ای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های درسی صنف ابتدایی افغانستان یافتند که توجه به مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در این کتاب‌ها کمتر از ۵۰ درصد بوده است. همچنین، مؤلفه‌های هویت‌بخش در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی در ایران بیشتر از کتاب‌های درسی صنف ابتدایی در افغانستان بود که نشان می‌دهد به مؤلفه‌های فرهنگی اصیل ایرانی - اسلامی در کتب آموزش و پرورش کشور افغانستان توجه ویژه نشده است و تمرکز و تلاش بیشتری در این زمینه احساس می‌شود.

در بخش آموزش عالی، تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه تألیف کتب دانشگاهی عمدتاً به صورت ارائه کتاب‌های تألیف شده در ایران برای تدریس در دانشگاه‌های افغانستان بوده است. با توجه به اشتراک زبانی که کتاب‌های تألیف ایران و زبان تدریس در دانشگاه‌های افغانستان داشتند، این یک تدبیر مناسب برای نفوذ و تأثیرگذاری بر محتوای درسی آموزش عالی در افغانستان بود. برای مثال، کمک به تجهیز پنج کتابخانه دانشگاهی در پنج شهر افغانستان از اقدام‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بوده است. تنها در سال ۱۳۹۷، ۳۰۰ هزار جلد کتاب در دانشگاه کابل به فروش رسید که بیانگر پیوند عمیق فرهنگی به دلیل زبان و فهم مشترک است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷).

همچنین، جمهوری اسلامی ایران به برگزاری نمایشگاه‌های مختلف کتاب در افغانستان اقدام کرده است. برای مثال، در سال ۱۳۹۷ نمایشگاه کتاب ایران و افغانستان در مزارشریف برپا شد. در این نمایشگاه، ۷۰۰۰ عنوان کتاب و ۳۵۰۰۰ جلد کتاب، از سوی ۳۰ ناشر ایرانی و ۱۱ ناشر افغانستانی عرضه شد (خبرگزاری کتاب ایران، ۱۳۹۷). به گزارش روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۲۵

خرداد سال ۱۴۰۰، تعداد ۲۳ هزار جلد کتاب در حوزه‌های موضوعی مختلف به زبان فارسی از جمله، ادبیات، علوم سیاسی، اجتماعی، جامعه‌شناسی و آموزشی از سوی اداره کل فراهم‌آوری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به کتابخانه آکادمی علوم افغانستان اهدا شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۴۰۰). همچنین، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۶۵ جلد کتاب منتشر شده این دانشگاه را برای استفاده دانشجویان پزشکی در افغانستان ارسال کرد (خبرگزاری کتاب ایران، ۱۳۹۱).

انتشارات سمت نیز چاپ ۵۹ عنوان کتاب و اهدای ده‌ها هزار نسخه از کتاب‌های این سازمان به کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های افغانستان را در راستای همکاری‌های علمی - فرهنگی با افغانستان از طریق تأمین منابع درسی دانشگاهی و حمایت از آثار اساتید افغانستانی انجام داده است (سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی، ۱۴۰۰).

مؤسسه انتشارات عرفان که بیشتر نویسندگان ایرانی هستند در کشور افغانستان بسیار فعال است و به نشر کتاب‌های دانشگاهی اهتمام دارد. این مؤسسه نمایشگاه‌هایی در این کشور و در شهر کابل برپا کرده و تألیفات ایرانی را به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان عرضه کرده است. در سال ۱۳۹۴ نزدیک به ۲ میلیون کتاب برای فروش به مردم کابل در نظر گرفته شده بود (سایت افغانستان خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴). انتشارات الهدی نیز در دانشگاه کابل نمایندگی دارد و با عرضه بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب دانشگاهی، مرجعی مهم در افغانستان برای تهیه کتب دانشگاهی منتشر شده در ایران است (مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۹۳).

به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت، عمده فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ انجام گرفته است اما هرچند اهداف خوبی از سوی مسئولان

هدف‌گذاری شده است ولی این فعالیت‌ها به صورت نامنظم و غیرمنسجم بوده‌اند و همین امر باعث عدم نتیجه‌گیری مطلوب شده است.

۴-۲-۵. نقش رسانه‌های برون‌مرزی اعم از نوشتاری، دیداری، شنیداری، چندرسانه‌ای و مجازی در تقویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان با محوریت زبان فارسی

جمهوری اسلامی ایران با مدیریت معاونت برون‌مرزی صدا و سیما، رادیو دری به مرکزیت مشهد را برای فارسی‌زبانان افغانستان راه‌اندازی کرده است. نقطه آغاز فعالیت رادیو دری به تهاجم شوروی به افغانستان در شهریور سال ۱۳۵۹ برمی‌گردد که با یک ساعت پخش روزانه کلید خورد اما به محض حمله آمریکا به افغانستان در سال ۱۳۸۰، عملکرد این رادیو روزانه تا ۱۴ ساعت افزایش یافت. در ایام حکومت طالبان این رادیو ۱۰ ساعت پخش داشت و اکنون هم با ۱۳ ساعت پخش و ۱۱ ساعت و ۳۰ دقیقه تعهد تولید در حال فعالیت است. رادیو دری در ۹ بخش خبری ۱۰ تا ۴۵ دقیقه‌ای، رویکرد حضور مؤثر در عرصه خبر، تحلیل و مصاحبه برای مخاطبان افغانستانی را در پیش گرفته است. همچنین، ۱۰ گزارشگر دفتر معاونت برون‌مرزی در کابل حامی این رادیو هستند، به طوری که این رادیو با ۱۱ ساعت و ۳۰ دقیقه تعهد تولید حتی از رادیوهای ۲۴ ساعته برون‌مرزی که فقط ۸ تا ۱۰ ساعت تعهد تولید دارند، پیشی گرفته است (کوهکن، رحیمی‌نژاد و غلامی، ۱۳۹۷). مردم افغانستان بیشتر از برنامه‌های اجتماعی، مفرح و امیدبخش این رادیو استقبال می‌کنند برنامه‌هایی مانند «کافه صبح»، «زنده‌باد زندگی»، «موج جوانی»، «انعکاس»، «سیاست روز»، «گلچین موسیقی» و برنامه‌های مفرح روزهای تعطیل که در قالب طنز ارائه می‌شود.

راه‌اندازی و تقویت رادیو پشتو نیز یکی دیگر از اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص پیشبرد دیپلماسی فرهنگی در قبال افغانستان بوده است. هرچند این

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۲۷

راديو در سال‌های قبل از سال ۱۳۸۴ راه‌اندازی شده بود، اما همانند راديو دري، راديو پشتو نیز با هجوم آمریکا به افغانستان فعالیت‌های خود را افزایش داد و زمان برنامه‌های تحلیلی برای روشنگری در خصوص مسائل افغانستان را بیشتر کرد (ببران و پوررشیدی، ۱۳۹۱).

در کنار راديوهای دري و پشتو، معاونت برون‌مرزی صدا و سیما در سال ۱۳۹۴ به راه‌اندازی سایت آنلاین خبری به نام «پارس تودی» اقدام کرد. «پارس تودی» به ارائه ۲۴ ساعته و آنلاین اخبار و اطلاعات به سی زبان دنیا از جمله زبان‌های دري و پشتو می‌پردازد. «پارس تودی» دارای خدمات رسانه‌ای شامل سایت، راديو، پخش از طریق ماهواره و حضور در رسانه‌های اجتماعی است (اخگری، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱).

همچنین، در راستای ایجاد پیوند بیش‌ازپیش فرهنگ و ادبیات ایران و افغانستان، صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۶ به راه‌اندازی شبکه آی‌فیلم ۲ اقدام کرد. هدف از ایجاد این شبکه تلویزیونی برون‌مرزی، پخش فیلم و سریال‌های ایرانی، موسیقی و برنامه‌های ایران‌شناسی به صورت ۲۴ ساعته با هدف تقویت و ترویج اشتراکات فرهنگی در کشورهای ایران و افغانستان بود (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۶). با این حال، جمهوری اسلامی ایران در زمینه راه‌اندازی یک شبکه تلویزیونی ویژه برای مردم افغانستان اقدامی صورت نداده است.

به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی شبکه‌های راديویی و سایت‌های خبری موفقیت‌های خوبی داشته است، هرچند در زمینه راه‌اندازی تلویزیون اختصاصی برای مردم افغانستان توفیقی نداشته است اما این نکته را نباید فراموش کرد که فعالیت‌های رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در افغانستان با رقابت‌هایی از جانب کشورهای غربی مواجه بوده است. نمونه این مسئله را در پخش راديو بی.بی.سی در افغانستان می‌توان مشاهده کرد که در اکثر شهرهای

این کشور روی موج اف. ام به مدت ۱۰ تا ۱۲ ساعت برنامه پخش می‌کند. با این حال، گرایش خانواده‌های افغانستانی به استفاده از محصولات رادیویی و تلویزیونی ایرانی نشان از اهمیت زبان فارسی در مناسبات دو کشور دارد.

۵. نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال تاجیکستان بین سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰

۵-۱. کشور تاجیکستان

جمهوری تاجیکستان محصور در خشکی و در آسیای مرکزی و غرب چین واقع شده است. جمعیت تاجیکستان در سرشماری سال ۲۰۲۰ میلادی (مصادف با سال ۱۳۹۹ شمسی) برابر با حدود ۹/۵ میلیون نفر بود. مساحت تاجیکستان ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع که ۱۴۲۷۰۰ کیلومتر مربع آن خاک و ۴۰۰ کیلومتر مربع آب است. این کشور از سمت جنوب مرز مشترک به طول ۱۲۰۴ کیلومتر با افغانستان دارد. ۹۰٪ مردم تاجیکستان پیرو دین اسلام هستند. تاریخ استقلال جمهوری تاجیکستان از اتحاد شوروی سال ۱۹۹۱ است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به تحقق پیوست.

۵-۲. مؤلفه‌های مشترک فرهنگی بین ایران و تاجیکستان

فرهنگ امروز تاجیکستان برگرفته از هویت فرهنگی ایران بوده است. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اشتراکی فرهنگی بین مردم ایران و تاجیکستان در ادامه آمده است.

۵-۲-۱. هنر و ادبیات

در طول تاریخ، ایران و تاجیکستان، تاریخ ادبی به هم پیوسته داشته و دارند. فرهنگ تاجیک که رابطه قوی با فرهنگ ایران داشت در قرن ۱۰ تا ۱۱ میلادی دوران شکوفایی خود را طی کرد که رودکی سمرقندی تجلی آن است. ادبیات و شعر در

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران... ————— ۳۲۹

تاجیکستان جایگاه ویژه‌ای دارد. سعدی، فردوسی، خیام، رودکی، حافظ، مولانا و دیگر ادیبان بزرگ فارسی حضوری همه‌گیر در تاجیکستان دارند و اماکن و خیابان‌های مختلف به نام این شاعران نام‌گذاری شده است (جعفری و براریان، ۱۳۹۸).

۲-۲-۵. زبان

ویژگی زبان که مؤلفه اصلی این تحقیق است، یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک فرهنگی بین ایران و تاجیکستان است. زبان اصلی و رسمی تاجیکستان تاجیکی، زبان دوم روسی، زبان سوم ازبکی و زبان غالب مورد استفاده تاجیکی و روسی است. زبان تاجیکی ۸۰٪ گویش کشور را دربرمی‌گیرد و زبان روسی به‌عنوان زبان معاشرت بین اقوام و ملیت‌های گوناگون ساکن در تاجیکستان پذیرفته شده است. زبان تاجیکی در زمره زبان‌های ایرانی و لهجه‌های باستانی جنوب غربی فلات ایران محسوب می‌شود. زبان تاجیکی امروزه جای زبان روسی را گرفته است که به‌طور عام در تاجیکستان استفاده می‌شد. زبان روسی مخصوصاً در شهر دوشنبه هنوز هم کم‌وبیش استفاده می‌شود و زبان معاشرت بین ملیت‌های مختلف نیز است. زبان ازبک بعد از تاجیکی و روسی مقام سوم را در این کشور دارد. تاجیکی با تفاوت‌هایی اندک همان زبان فارسی در ایران و زبان دری در افغانستان است اما اکثر افرادی که به فارسی صحبت می‌کنند، نمی‌توانند با خط فارسی بنویسند یا بخوانند چراکه خط رسمی تاجیکستان سریلیک است (اتحادیه جماهیر شوروی سال‌ها پیش الفبای فارسی را به سریلیک تغییر داده بود). در آسیای مرکزی به دستور اتحادیه جماهیر شوروی در دو مرحله الفبا تغییر یافت ابتدا در سال ۱۹۲۹ میلادی در تاجیکستان الفبای لاتین جایگزین الفبای عربی شد و سپس در سال ۱۹۴۰ میلادی الفبای سریلیک به‌عنوان الفبای زبان تاجیکی اعلام و جایگزین الفبای لاتین شد. همچنین طی سال‌های ۱۹۳۰ الی ۱۹۴۰ میلادی فرهنگ تاجیک تغییر مجددی داشت و مطابق فرهنگ اتحادیه جماهیر

شوروی شد تا متناسب با نیازهای سیاسی دولت مرکزی اتحادیه جماهیر شوروی به رهبری استالین شود. در این دوره تهمت ملی‌گرایی یا سرمایه‌داری می‌توانست وجهه اشخاص را در بین روشنفکران یا در صحنه سیاسی خراب کند. در سال ۱۹۸۹ میلادی زبان تاجیکی رسمی شد (مجیدی و خادمی، ۱۳۹۷).

۳-۲-۵. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال تاجیکستان

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تأثیر مسائل هویتی و قومیتی در تحولات سیاسی و بین‌المللی تاجیکستان مورد توجه قرار گرفت. یک ویژگی تحولات در تاجیکستان بهره‌گیری از قومیت و هویت در تدوین نظریه ملت‌سازی در این کشور بود. در این بین، اشتراکات فرهنگی، نژادی، دینی و زبانی عامل توسعه و گسترش هرچه بیشتر مناسبات بین جمهوری اسلامی ایران با تاجیکستان شد. ایران اولین کشوری بود که استقلال جمهوری تاجیکستان را به رسمیت شناخته و در این کشور به تأسیس سفارتخانه اقدام کرد. از آن زمان به بعد تبادل هیئت‌های بلندپایه میان دو کشور و امضای تفاهم‌نامه‌های متعدد موجب گسترش بیش‌ازپیش روابط دوجانبه به‌ویژه در زمینه فرهنگی شد (رسولیان، ۱۳۸۹؛ ملکیان، ۱۳۹۱؛ جعفری و براریان، ۱۳۹۸). با این حال، جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی فرهنگی مدون و قوی را در قبال تاجیکستان ارائه نداده است و تاکنون از این ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل سودی نگرفته است.

۴-۲-۵. نقش جمهوری اسلامی ایران (سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰) در طراحی

محتوای آموزشی به زبان فارسی در مدارس و دانشگاه‌های تاجیکستان

بین ابتدای سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰، روابط ایران و تاجیکستان «راهبردی» بود تا جایی که در سال ۱۳۸۸ رئیس‌جمهور وقت ایران، محمود احمدی‌نژاد به تاجیکستان سفر کرد. با این حال، از سال ۱۳۹۰ شمسی روابط دو کشور تحت تأثیر دخالت

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۳۱

عربستان سعودی و فعال شدن لابی‌های صهیونیستی در تاجیکستان و حمایت ایران از حزب نهضت اسلامی تاجیکستان رو به سردی گرایید. در نتیجه، نهادهای فرهنگی ایران در تاجیکستان مانند کمیته امداد امام خمینی، رایزنی فرهنگی و دفاتر اقتصادی جمهوری اسلامی ایران یکی پس از دیگری بسته شدند. با این تفاسیر، می‌توان گفت در دهه ۱۳۹۰ شمسی روابط ایران و تاجیکستان در سطح مناسب و مطلوبی قرار نداشت و چالش‌های زیادی را تجربه کرده است.

بنابراین عمده فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه تألیف و چاپ کتاب‌های درسی به زبان فارسی در کشور تاجیکستان به قبل از سال ۱۳۸۴ و به سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳ برمی‌گردد که به چاپ کتاب کلاس اول و دوم ابتدایی برای تدریس در مدارس تاجیکستان اقدام کرد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴). با این حال، در سال ۱۳۸۷ وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران تفاهم‌نامه‌ای با وزارت معارف تاجیکستان منعقد کرد (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۳). بر این اساس، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به خط فارسی، برای دانش‌آموزان تاجیک کتاب درسی تألیف کرد. در مرحله اول، کتاب‌های درسی برای پایه‌های چهارم تا ششم تألیف شد و به نظام آموزشی تاجیکستان راه یافت. اخیراً کتاب‌های پایه‌های هشتم تا یازدهم نیز تألیف شده است. این کتاب‌ها متون بسیاری از بزرگان زبان و ادب فارسی را با خط فارسی به دانش‌آموزان تاجیک ارائه می‌دهد.

پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان در سال ۱۳۷۴ به همت سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان تأسیس شد. این پژوهشگاه، با همکاری مراکز علمی و فرهنگی جمهوری تاجیکستان، به منظور پیشبرد سیاست زبان فارسی، در صدد انتشار مجموعه‌ای از کتاب‌ها در حوزه‌های مختلف علمی و فرهنگی برآمده است. به همین منظور، در سال ۱۳۹۴، این پژوهشگاه در

نخستین گام با همکاری بیمارستان ابن سینای تاجیکستان، ترجمه و انتشار بخشی از کتاب‌های درسی دانشجویان رشته پزشکی را در دستور کار خود قرار داده است همچنین، در پی درخواست ریاست دانشگاه دولتی تاجیکستان، این پژوهشگاه کتاب درسی «زبان فارسی» را منتشر کرد. از دیگر اقدام‌های این پژوهشگاه، انتشار پنج جلد از آثار شاخص کلاسیک زبان فارسی به دو خط فارسی و تاجیکی در تاجیکستان برای دانش‌آموزان مقطع دبیرستان است (پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی).

انتشارات الهدی نیز در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ در تاجیکستان فعال بود. فعالیت‌های این انتشارات با راه‌اندازی فروشگاه‌های در شهر دوشنبه کمک زیادی به احیای زبان و خط فارسی در کشور تاجیکستان کرده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱).

انجمن مطالعات درسی ایران که زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند به برگزاری کارگاه‌های مختلف برای تألیف کتاب درسی و بررسی متون تولیدی کلاس‌های ۸ الی ۱۱ وزارت معارف تاجیکستان اقدام کرده است (انجمن مطالعات درسی ایران، ۱۳۹۸).

با کوشش ایران در تاجیکستان، کتابخانه‌هایی در شهر دوشنبه، خجند، کوالب، خاروع، کانی بادام، پنجکنت و استروشن و اتاق‌های ایران در دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی خجند تأسیس شد. همچنین به پژوهشگاه‌های فرهنگستان علوم تاجیکستان و مراکز آموزش عالی تاجیکستان چندین هزار جلد کتاب در رشته‌های گوناگون علمی اهدا شده است (رنجکش، ۱۳۹۷). در سال ۲۰۱۲ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران به مناسبت هفته فرهنگی ایران در تاجیکستان بخشی از ۲۱ هزار جلد کتابی را که در قالب هفته فرهنگی به این کشور انتقال یافته بود، در اختیار کتابخانه مجلس تاجیکستان و بخشی را در اختیار کتابخانه میر سیدعلی در کوالب قرار داد (همان).

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ————— ۳۳۳

به‌عنوان نتیجه‌گیری، می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران جهت تألیف کتب درسی برای تاجیکستان در دهه ۱۳۷۰ و همچنین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بین سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰ فعالیت‌هایی انجام داده است. همین‌طور، پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی یکی از نقاط قوت در این زمینه است که تألیف کتب درسی دانشگاهی را مدنظر قرار داده است، اما با وجود ترسیم اهداف خوب مسئولان، فعالیت‌های منظم و منسجمی در این سال‌ها برای ارتقای اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در تدوین و تألیف کتب درسی مدارس و دانشگاه‌های تاجیکستان انجام نگرفته است.

۵-۲-۵. نقش رسانه‌های برون‌مرزی اعم از نوشتاری، دیداری، شنیداری، چندرسانه‌ای و مجازی در تقویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال تاجیکستان با محوریت زبان فارسی

در بخش رسانه‌ای می‌توان بیان داشت که از جانب جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌گونه رسانه تصویری برای مردم تاجیکستان وجود ندارد. راه‌اندازی تلویزیون مشترک فارسی بین سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان یکی از برنامه‌های مهمی است که مسکوت مانده است. به‌طوری‌که در سال ۱۳۸۵ در ملاقات رؤسای جمهوری سه کشور برای تأسیس تلویزیون مشترک فارسی توافق حاصل شد اما این طرح به دلایل مختلف از جمله فشارهای فرامنطقه‌ای و عدم تأمین تجهیزات و اعتبارات لازم عملی نشد (خبرگزاری صدای افغان، ۱۳۹۵). در بخش رادیویی و سایت‌های خبری، فقط سایت آنلاین خبری «پارس تودی» به ارائه اخبار و اطلاعات به زبان فارسی-تاجیکی به مدت چهار ساعت در روز برای برقراری ارتباط با مخاطبان کشور تاجیکستان می‌پردازد (اخگری، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱). بنابراین می‌توان بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران در بخش رسانه‌ای برای تاجیکستان فعالیت به‌خصوصی انجام نداده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام گرفته مشخص شد عمده فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه تألیف کتب درسی برای کشور افغانستان به صورت نامنظم و غیرمنسجم بوده و نتوانسته نتیجه مطلوبی به همراه داشته باشد. در این صورت، ترسیم اهداف جامع، کامل و تدوین استراتژی‌هایی به صورت بلندمدت و با همکاری سازمان‌های مختلف درگیر در این امر ضروری است. به علاوه، در بخش رسانه‌ای می‌توان بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و سایت‌های خبری موفقیت‌های خوبی داشته، هرچند در راه‌اندازی تلویزیون‌های اختصاصی ویژه برای مردم افغانستان توفیقی نداشته است. در نهایت می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران برای منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی در افغانستان باید بیشترین بها را به حوزه علم و فرهنگ دهد، چراکه مزیت نسبی ایران برای حضور مؤثرتر در افغانستان نسبت به سایر رقبا اشتراکات فرهنگی بین دو کشور است. در واقع، باید روابط سیاسی و اقتصادی را بر چارچوب فرهنگ و زبان مشترک بنا نهاد.

در بحث تاجیکستان می‌توان گفت هرچند بین سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای تدوین و تألیف کتب درسی مدارس فعالیت‌هایی انجام داده است؛ همین‌طور پژوهشگاه فرهنگ فارسی- تاجیکی یکی از نقاط قوت در این زمینه است که تألیف کتب درسی دانشگاهی را مدنظر قرار داده؛ اما با توجه به روابط پرفراز و نشیب جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان و با وجود ترسیم اهداف خوب مسئولان، فعالیت‌های ثمربخشی در این سال‌ها برای ارتقای اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در این باره انجام نداده است. جمهوری اسلامی ایران در بخش رسانه‌ای نیز فعالیت به‌خصوصی را در این کشور انجام نداده است که در این صورت استفاده از دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال تاجیکستان ضروری به نظر می‌رسد.

بنابراین می‌توان گفت، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای افغانستان و تاجیکستان با تأکید بر نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰ با وجود فعالیت‌های خوبی که صورت گرفته است، نتوانسته جایگاه خوبی را در این کشورها ایجاد کند. بنابراین بسیار ضروری به نظر می‌رسد که سازمان‌های مربوط به این موضوع (از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ضمن تعریف کردن اهداف بلندمدت، استراتژی‌های لازم را برای دستیابی به این اهداف ترسیم کنند. از جمله راهکارها می‌توان به: ۱. فعال‌سازی ظرفیت جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و تاجیکستان در خصوص تألیف و چاپ کتب درسی و آموزشی، ۲. عقد قرارداد بین ناشران ملی ایران با وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی افغانستان و تاجیکستان در خصوص تألیف و چاپ کتب درسی و آموزشی، ۳. برگزاری نمایشگاه‌های کتاب درسی به صورت منظم در شهرهای مختلف افغانستان و تاجیکستان و ۴. برقراری ارتباطات و همکاری‌های علمی بین اساتید دانشگاه‌های ایران با افغانستان و تاجیکستان، اشاره کرد. درنهایت، گفتنی است نتایج این تحقیق با بررسی منابع داخل کشور به دست آمده است و لذا می‌توان بیان داشت که تفسیر نتایج این تحقیق با در نظر گرفتن این محدودیت که ارتباط مستقیم با دانشجویان و اساتید کشورهای افغانستان و تاجیکستان برقرار نشده است، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در پایان باید گفت فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود و جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ یک برنامه جامع دیپلماسی فرهنگی با استفاده از عناصر زبان و ادبیات فارسی در دو کشور افغانستان و تاجیکستان به بخشی از اهداف مورد نظرش دست نیافته است.

۱. اخگری، محمد (۱۳۹۹). «مطالعه ظرفیت‌های رسانه شنیداری پادکست برای آموزش زبان فارسی در رادیوهای برون مرزی صداوسیما (مطالعه موردی: برنامه‌های آموزش زبان در رادیوهای دویچه‌وله و پارس تودی)»، فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری، ۱۴(۳۳).
۲. _____ (۱۴۰۱). «مطالعه نقش ترجمه در ژورنالیسم بینا فرهنگی با مطالعه موردی رادیو پارس تودی برون مرزی ایران به زبان آلمانی»، مطالعات زبان و ترجمه، ۵۵(۱).
۳. اژدری، لیلا، علی اکبر فرهنگی، سیدرضا صالحی امیری و محمد سلطانی فر (۱۳۹۶). «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۸(۳۸).
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «گفتگو قدرت نرم انقلاب اسلامی»، فصلنامه بسیج، ش ۳۲.
۵. امیدی، علی و همکاران (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای قدرت نرم آمریکا و روسیه در قفقاز جنوبی»، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، ش ۱.
۶. انجمن مطالعات درسی ایران (۱۳۹۸). به نشانی اینترنتی: icsa.org.ir/12586-2.
۷. بران، صدیقه و هاتف پوررشیدی (۱۳۹۱). «بررسی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در افغانستان پس از سقوط طالبان»، مطالعات رسانه‌ای، ۷(۱۶).
۸. پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی. به نشانی اینترنتی: pertoj.com.
۹. دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۴۰۱). پیشوران‌های مدیریت جهادی قوه مقننه، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۰. جعفری، علی اکبر و محمد براریان (۱۳۹۸). «جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، ۴(۴۰).
۱۱. جوادی ارجمند، محمدجعفر و محمد اسمعیلی (۱۳۹۱). «جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی‌زبان»، فصلنامه سیاست، ۴۲(۳).
۱۲. حاجیان، خدیجه (۱۳۹۴). «بررسی ظرفیت‌های زبان و ادبیات فارسی در ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی در تاجیکستان و افغانستان»، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ۱۶(۳).

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران... ————— ۳۳۷

۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷). به نشانی اینترنتی: www.irna.ir/news/6176515
۱۴. ————— (۱۳۸۹). به نشانی اینترنتی: www.irna.ir/news/7949902
۱۵. ————— (۱۳۹۷). به نشانی اینترنتی: www.irna.ir/news/82895383
۱۶. خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۳۹۳). به نشانی اینترنتی: www.isna.ir/93061710234
۱۷. ————— (۱۳۹۶). به نشانی اینترنتی: www.isna.ir/96122614414
۱۸. خبرگزاری صدای افغان (۱۳۹۵). به نشانی اینترنتی: avapress.com/fa/93885
۱۹. خبرگزاری فارس (۱۳۹۱). به نشانی اینترنتی: www.farsnews.ir/news/13910824000971
۲۰. خبرگزاری کتاب ایران (۱۳۹۱). به نشانی اینترنتی: www.ibna.ir/fa/report/152300
۲۱. ————— (۱۳۹۹). به نشانی اینترنتی: www.ibna.ir/fa/report/299374
۲۲. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه (۱۳۷۴). تاجیکستان.
۲۳. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). «حکمت اسلامی، رویکرد تمدنی به دیپلماسی فرهنگی»، *مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، سال اول، پیش شماره ۳.
۲۴. ذوالفقاری، مهدی و فرزانه دشتی (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، *مطالعات قدرت نرم*، سال هشتم، ش ۱۹.
۲۵. رحمانی، منصور (۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال ششم، ش ۱۵.
۲۶. رسولیان، قهار (۱۳۸۹). «نگاهی به روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان». www.dushanbe.ir
۲۷. رضایی مهر، سهیلا، عباسعلی وفایی و داود اسپرهم (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی در راهبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، ۱۰(۳۷).
۲۸. رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی»، *سیاست و روابط بین‌الملل*، ۲(۲).
۲۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (۱۴۰۰). به نشانی اینترنتی: www.nlai.ir/8063

۳۰. سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت) (۱۴۰۰). به نشانی اینترنتی:

www.samt.ac.ir/fa/page/10

۳۱. سازمند، بهاره و میثم موسوی (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای مقایسه‌ای مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در

کتاب‌های فارسی؛ دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های دری صنف ابتدایی افغانستان»، فصلنامه مطالعات

ملی، ۲۱(۴).

۳۲. سایت افغانستان خبرگزاری فارس (۱۳۹۴). به نشانی اینترنتی:

af.farsnews.ir/culture/news/13940929001279

۳۳. سلیمی بنی، صادق و محمد مجاور شیخان (۱۳۹۲). «جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی

کشورها»، پژوهش در تاریخ، ۳(۱۲).

۳۴. سیمبر، رضا و احمدعلی مقیمی (۱۳۹۴). «منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران»، سیاست جهانی، ۴(۱).

۳۵. شهسواری فرد، شهره (۱۳۹۶). «ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی: از ضرورت تا واقعیت»، مجله

بین‌المللی پژوهش ملل، ۳(۲۵).

۳۶. شیخ‌الاسلامی، حسن (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.

۳۷. طوفان، مسعود (۱۳۹۵). «جایگاه و ظرفیت سفارتخانه‌های مجازی در دیپلماسی نوین»، فصلنامه

رسانه، ۲۷(۲).

۳۸. عسگریان، عباسقلی، صارم شیروند و میرهادی موسوی (۱۳۹۳). «نقش زبان در گفتمان دیپلماسی

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۹.

۳۹. غفاری قدیر، جلال، مجید بهستانی و صفرعلی خالدیان (۱۳۹۶). «ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی»، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۷(۱۶).

۴۰. غوری، محمدنظر (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل مشترکات فرهنگی ایران و افغانستان»، ششمین کنفرانس

بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران.

نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران... ————— ۳۳۹

۴۱. کوهکن، علیرضا، محمدعلی رحیمی‌نژاد و سعید غلامی (۱۳۹۷). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران در افغانستان»، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، ۱(۲).

۴۲. متقی، ابراهیم (۱۳۸۶). «سازهانگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه

سیاست - دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، ش ۴.

۴۳. مجیدی، محمدرضا و غلامرضا خادمی (۱۳۹۷). «تغییر و جایگزینی القابای نیاکان (فارسی) در

تاجیکستان در دوران اتحاد شوروی و پس از آن»، مطالعات اورآسیا مرکزی، ۱۱(۲).

۴۴. مجیدی، محمدرضا (۱۳۹۳). «دیدگاه‌های نظری در خصوص نقش هویت در سیاست بین‌الملل»،

فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، ش ۱.

۴۵. ——— (۱۳۹۴). دیپلماسی فرهنگی تعاملی، تهران، چاپ اول، نشر شهر.

۴۶. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۶). به نشانی اینترنتی: rc.majlis.ir/fa/law/show/98006

۴۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). «سازهانگاری به‌عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، ش ۶۵.

۴۸. ملکیان، محسن (۱۳۹۱). «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان»، مطالعات اورآسیا مرکزی، ۵(۱۱).

۴۹. مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی (۱۳۹۳). به نشانی اینترنتی: alhoda.ir/fa/284

۵۰. موسوی، سیدمحمدرضا و سمیه قنبری (۱۳۹۹). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افغانستان»، دو

فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، ش ۲.

۵۱. میرفخرایی، سیدحسن، مجید فیروزمندی بندپی (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی

و قفقاز: فرصت‌ها و چالش‌ها»، مطالعات اورآسیا مرکزی، ۱۰(۲).

۵۲. هادیان، ناصر و افسانه واحدی (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی»، فصلنامه بین‌المللی روابط

خارجی، ۱(۳).

53. De Martino, M. (2020). "Soft Power: Theoretical Framework and Political Foundations", *Przegląd Europejski*, (4).

54. Grix, J. and N. Kramareva (2015). "The Sochi Winter Olympics and Russia's Unique Soft Power Strategy", *Sport in Society*, Published online: 11.08.2016.

55. Nye, J.S. (2008). "Public Diplomacy and Soft Power", *The Annals of the American Academi of Political and Social Science*, 616(1).
56. ____ (2010). *The New Public Diplomacy*, U.S. Department of State. https://wikileaks.org/clinton-emails/Clinton_Email_August_Release/C05767159.pdf, p:2.
57. ____ (2021). "Soft Power: The Evolution of a Concept", *Journal of Political Power*, 14(1).
58. ____ (2022). "Soft Power: The Origins and Political Progress of a Concept", *The Journal of International Communication*, 28(1).
59. Ociepka, B. and J. Arendarska (2021). "Cultural Diplomacy as a Network and Networking in International Relations: The Case of Cultural Diplomacy in Russia", *SAGE Open*. Doi:10.1177/21582440211054119.
60. Shakirov, O. (2013). "Russian Soft Power Under Construction", *International Relations*, Available at: <http://www.e-ir.info/>, Accessed on: 8 March 2017.